سخنرانی دکتر سینا کلهر در همایش بررسی سند 2030 در دفتر تبلیغات

2030 کنار گذاشته نشده است. بلکه 2030 آموزشی کنار گذاشته شده است. و همه اعتراض ها به بخش آموزشی سند 2030 بوده است.

سند اصلی 17 هدف اصلی دارد که هدف چهارم آموزش است و بقیه اهداف سند در وزارتخانه ها و نهادهای مختلف در حال انجام است. مثلا وزارت بهداشت، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و ... در حال اجرای سایر اهداف 2030 هستند.

سند 2030 برنامه تغییر جهان در 15 سال است.

2030 و استقلال سیاسی ج.ا.ا

این مسئله پیچیدگی دارد. در 6 جای سند تصریح شده که حاکمیت و استقلال کشورها باید محترم شمرده شود.

در هیچ جای این سندها حمایت از همجنس بازان نیامده است بلکه در جاهای مختلف تاکید کرده ارزش های بومی باید به رسمیت شناخته شود اما در کنار آن گفته شده باید آموزش گروه های طرد شده به رسمیت شناخته شود و منظورشان از گروه های طرد شده امثال همجنس بازان هستند. نمی گوید به آنها آموزش بدهید بلکه می گوید باید آموزش داشته باشند و دولت باید آمار اینها را ارائه کند.

سند دگرگونی جهان در مقدمه می گوید سه هدف برای سند وجود دارد. به دنبال تحقق و تکمیل چیزی هستند که سند هزاره به آن نرسید.

1. رعایت حقوق بشر برای همه
2. تحقق تساوی جنسیتی برای همه
3. توانمندسازی زنان و دختران

یعنی شاکله و ستون کل برنامه تغییر جهان حول این سه محور می چرخد. در جای جای سند وعده هایی هم داده شده است. جهان عاری از خشونت، جهان عاری از ظلم، جهان عاری از گرسنگی و ... متن سند آنقدر الهام بخش است که وقتی سند را می خوانید با یک سند قدرتمند مواجه می شوید.

این سند یک تحول در روش سند نویسی است. تا قبل از این سند باور بر این بود که چون دولت ها اجرا کننده اهداف هستند نیازی به اقناعی بودن سند نیست بلکه حالت اجرایی داشت همه سندهای ما نیز اینگونه اند مثل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. اما اسناد جدید مانند 2030 به سمتی رفته اند که از نظر متن جنبه اقناعی داشته باشند تا بتوانند نخبگان کشورهای هدف را اقناع کرده و زمینه اجرای آن را از این طریق فراهم کنند. یعنی به این باور رسیدند که باید قلب و ذهن نخبگان کشورها را فتح کنند.

نکته دیگر این است که سند می گوید نباید کسی از این قافله عقب بیافتد. یعنی هیچ کشوری نباید از اجرای این سند خودداری کند.

به صراحت آمده است که همه کشورها آن را پذیرفته اند.

بند 6 سند تصریح دارد که سند با توجه به نیازهای فقیر ترین و آسیب پذیرترین اقشار نوشته شده است. فقیرترین جای بحث ندارد اما آسیب پذیرترین شامل انواع گروه ها از جمله اقلیت های دینی، فرقه های مذهبی و گروههای انحرافی جنسی مثل همجنس بازان نیز می شود.

باز در بندهای مختلف اشاره می کند که حاکمیت ملی شما محترم است.

بعد از این شروع می کند که برای تغییر جهان در 15 سال آینده ما نزدیک 7 اولویت داریم. یعنی هفت قلمرو وجود دارد که باید تغییر به صورت آشکار صورت بگیرد.

اولین قلمرو مسئله حقوق بشر است. مهمترین تغییری که در جهان باید صورت بگیرد بسط و ترویج حقوق بشر است.

دومین قلمرو مسئله تساوی جنسیتی است.

سومین قلمرو فقر و ریشه کنی گرسنگی از طریق تامین اجتماعی است.

چهارمین آموزش کیفی است.

پنج بهداشت و رفاه روانی و جسمی است که مراقبت های جنسی را ذیل بخش بهداشت آورده است که ما اصلا به آن اعتراض نکرده ایم و آموزش جنسی ذیل بخش آموزش نیامده است تا ما اعتراض کنیم بلکه ذیل بهداشت آمده است.

شش اشتغال

هفت مسئله مهاجرت.

البته مسئله مصرف کالا و خدمات هم آمده است.

در سند سه دسته کشور وجود دارند.

کشورهای عقب افتاده که عمدتا کشورهای افریقایی هستند.

کشورهایی که شرایط جغرافیایی خاص دارند یا محصور در خشکی هستند یا منابع زیرزمینی محدودی دارند.

دسته سوم کشورهای در حال توسعه یا دز حال توسعه متوسط هستند که ما هم جزو آنها هستیم و می گویند باید برای این سه دسته کشور برنامه داشته باشیم و مشکل ما با این قسمت است.

تناقضات

ص 18 بند 18: حاکمیت مستقل و دائمی بر ثروت و منابع طبیعی و اقتصادی حق هر کشوری است.

بند 30: دولت ها اکیدا از انجام و ترویج هر گونه اقدام یک جانبه اقتصادی مالی و یا تجاری که در راستای حقوق بین الملل و منشور سازمان ملل متحد نباشد و مانع تحقق کامل توسعه اجتماعی و اقتصادی بویژه در کشورهای در حال توسعه شوند منع شده اند.

یک تکنیک سندنویسی این است که در راس سند ارزشهای شما را ذکر می کنند اما در حکم کاملا خلاف آن دستور می دهند.

تعهد سخت و نرم در حقوق تفاوت دارد.

تعهد سخت این است که در صورت عدم اجرای آن مشکلات جدی برای ما درست می کنند. سند 2030 تعهد سخت ندارد.

تعهد نرم این است که به شما می گویند شما با اختیار خودتان این سند را پذیرفته اید. یعنی تعهد نرم زمینه ساز تعهد سخت می شود.

در سند آمده است که برای تحقق این سند بار اصلی آن روی دوش بخش آموزشی است. و تنها هدفی که فعلا برایش چارچوب عمل نوشته شده هدف چهارم یا آموزش است.

اسمش آموزش با کیفیت برابرو مادام العمر است.

هفت هدف کلی را بر می شمرد که باید با اهداف سند تحول بنیادین مقایسه شوند.

اولین هدف: آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان اجباری و باکیفیت. دولت مکلف است این بند را اجرا کند.

دومین هدف: آموزش پیش دبستان

سومین هدف: آموزش عالی و فنی حرفه ای

چهارمین حوزه: آموزش بزرگسالان.

اساسا ما تمام حرفمان در این چهار حوزه است و حوزه دیگری متصور نیست. برای این چارچوب عمل نوشته اند یعنی دستور کار برای آموزش پرورش مشخص کرده اند که آموزش و پرورش اینگونه باید اداره شود و اساسا با این کار استقلال ملی به طور کامل نقض می شود. و شما نیاز به سیاست گذاری ندارید چون همه چیز را به شما دیکته می کند.

سه هدف دیگر

اول تضمین سواد خواندن و نوشتن و حساب کردن

دوم مسئله خاص تساوی جنسیتی

سوم که مهمتر از همه ی اینها است گفته است تمام دانش آموزان (هر مقطعی) باید با ارزش های حقوق بشر، شهروندی جهانی، سبک زندگی جهانی و همه اینها بایدآشنا شود ذیل هدف شماره 7 و این به عنوان مهمترین و بنیادی ترین هدف بوده است.

در یک جا می گوید مهمترین دلیلی که ما در رسیدن به اهدافمان شکست خورده ایم این است که مردم با مفاهیم شهروند جهانی و حقوق بشر آشنا نبوده اند.

برای تحقق این اهداف داخل کشور یک سند اجرایی نوشته اند که آیین نامه اجرایی چارچوب عمل 2030 است.

در سند ملی می گوید «ضروری است همزمان با همسویی با دستور کار جهانی اقدامی ملی برای تدوین برنامه کشوری در راستای محتوای جهانی برنامه صورت بگیرد.»

نکته نهایی 2030 فقط در حوزه آموزش متوقف شده و در سایر حوزه ها با قدرت در حال اجرا است.

اگر یک نهاد داخلی مثل مرکز پژوهش های مجلس از سازمان های دولتی آمار مربوط به جمعیت را بخواهد حاضر به همکاری نیستند و آن را محرمانه می دانند اما همین سازمان ها 20 سال است که در قالب یک قرارداد تمام این آمار را به سازمان جمعیت و توسعه سازمان ملل داده اند.

مسئله رابطه ما با نظام بین الملل و نوع کاری که باید با آنها کار کنیم حداقل میزان هشیاری و حفظ حاکمیت ملی و مسائل مربوط به حفظ استقلال ملی را رعایت نمی کنیم.

حق تحفظ

ما جامعه اکتیوی هستیم و گاهی مسئولین در حوزه ای خارج از مسئولیت خود اقدام می کنند. از این جهت که وزیر می تواند بگوید ما اسم ایران را در این سند آورده ایم بعد با خودش نمی گوید شاید یکی برود و این سند را بخواند. بعد یکی سند را می خواند با خودش می گوید شاید در این یکی نیست در دیگری است. بعد متوجه شود که در آن یکی هم نیست و متوجه چیز دیگری بشود. و آن نکته این است که **یک سری شاخص هایی را در متن آورده و به شما اجازه نمی دهد تفسیر کنید بلکه می گوید من بر اساس این شاخص ها گزارش می خواهم**. شما وقتی این گزارش را می خوانید متوجه می شوید که این شاخص ها را ترجمه نکرده اند. بعد متوجه می شوید که در اصل متن برابری جنسیتی بوده که به تساوی جنسیتی ترجمه کرده اند در واقع همان برابری جنسیتی است. بعد سوال می کنید آن حق تحفظ که در اینجا نیست پس کجاست؟ می گویند که نه ما گفتیم اینجا بیاوریم نیاوردند گفتیم آنجایی که می خواهیم امضا کنیم آنجا می نویسیم گفتند آنجا هم نمی توانید بنویسید. گفتیم خوب ما آنجایی که سخنرانی می کنیم می گوییم ما تحفظ داریم و در سخنرانی گفته ایم.

مسئله اطلاع دفتر مقام معظم رهبری و مجلس

فقط یک صفحه به دفتر رهبری رونوشت شده است. به ایشان گفته اند ما یک ساختاری تشکیل داده ایم که اینجا کار کند. رهبری و مجلس که نمی توانند اعتراض کنند بگویند قوه مجریه اشتباه کردی ساختار تشکیل دادی.

در ویرایش دوم که گفته اند اصلاح شده فقط یک پاراگراف در مقدمه اضافه کرده اند. کل همه این ماجراها و دعواها خلاصه شده در همین بحث که به زعم خودشان در ویرایش دوم اصلاح کرده اند. (آن پاراگراف در مورد آغاز بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با کلمه «اقرء» است و اشاره دارد به اینکه آیات ابتدایی نازل شده بر پیامبر حاوی مفاهیمی مثل خواندن و نوشتن و علم است و نشان از اهمیت آموزش نزد خداوند دارد.)